

پرتاز

خانواده، ماکت کوچکی از جامعه



فرزانه رسانیه
کارشناس ارشد روانشناسی

در اغلب خانواده‌ها والدین که تربیت مستقیم فرزندان را برعهده دارند، خواهان آن هستند که فرزندانشان که همچون محصولاتی هستند که به جامعه عرضه می‌شوند، مناسب، کارآمد و متمرکز باشند. تلاش آنها بر این است که تمرکز است که این فرزندان باید باشند. فراداد اجتماع سرنبند بود و برای خود کار مهمی دست‌وپا کرد و خادم دکتر آفای مهندس شوند. آنها به هدایت‌شان به سوی آندیشه‌های متعالی و ملی همین چاره‌ها خود خود غمی را داشتند که در جامعه وجود داشته است.



زودی با موانعی روبه‌رو می‌شوند که از پیش می‌دانستند. ولی با این همه به دلیل احساس به وظیفه فرهنگی خویش عمل می‌کنند که نمونه بارز آن را در تاریخ فرهنگی ایران می‌تواند که در برخی چهره‌های بزرگ فرهنگ ایرانی مثل فردوسی، سپهروردی، عطار، سعدی، مولوی، حافظ تا بهاسر و نیما یافت که علامت‌های جهت‌نمایی بودند برای حرکت در جهت درست و هدایت‌شان به سوی آندیشه‌های متعالی و ملی همین چاره‌ها خود خود غمی را داشتند که در جامعه وجود داشته است.



این گونه رفتارها آندیشه‌ها شده به یقین می‌توان گفت که از سلامت رفتاری بی‌نیاز است. اما عکس‌العمل متقابل بزرگ‌سالی به چنین رفتاری‌ها بی‌معناست. تربیت مستقیم فرزندان را برعهده دارند، خواهان آن هستند که فرزندانشان که همچون محصولاتی هستند که به جامعه عرضه می‌شوند، مناسب، کارآمد و متمرکز باشند. تلاش آنها بر این است که تمرکز است که این فرزندان باید باشند. فراداد اجتماع سرنبند بود و برای خود کار مهمی دست‌وپا کرد و خادم دکتر آفای مهندس شوند. آنها به هدایت‌شان به سوی آندیشه‌های متعالی و ملی همین چاره‌ها خود خود غمی را داشتند که در جامعه وجود داشته است.

یادداشت

ما را چه رسیده است؟



ماکرامت زود آمد در تقابل هستند سر بر می‌آورند، به زودی با موانعی روبه‌رو می‌شوند که از پیش می‌دانستند. ولی با این همه به دلیل احساس به وظیفه فرهنگی خویش عمل می‌کنند که نمونه بارز آن را در تاریخ فرهنگی ایران می‌تواند که در برخی چهره‌های بزرگ فرهنگ ایرانی مثل فردوسی، سپهروردی، عطار، سعدی، مولوی، حافظ تا بهاسر و نیما یافت که علامت‌های جهت‌نمایی بودند برای حرکت در جهت درست و هدایت‌شان به سوی آندیشه‌های متعالی و ملی همین چاره‌ها خود خود غمی را داشتند که در جامعه وجود داشته است.



محمد بافقی ماکان
پژوهشگر فرهنگی

برای اهل فرهنگ پیوسته این پرسش مطرح است که جامعه به مسأله‌های مهم مانند فرهنگ تا چه حد اهمیت می‌دهد. این موضوع از منظرهای مختلف قابل بررسی است. جوامع که به دیدگاه‌های تثبیت‌شده نظر دارند، طبیعتاً در حالتی ایستا قرار می‌گیرند و از آن‌جا که ارزش‌های پیشین را مدام الگوی زندگی خود قرار می‌دهند، علاقه‌ای به بازنگری در اصول خویش و تمایلی زرف در اوضاع جامعه خویش ندارند. از این رو کسانی که به لحاظ معرفتی آنها را غالباً به عنوان روشنفکر می‌شناسیم و با طبع طبیعی سعی در بین بردن این احوال دارند که با از طریق نوشتن است یا از راه سخن گفتن، ولی مسأله اینجاست که اگر این گفت‌وگوها و نوشتن‌ها تأثیر مطلوب نگارنده، روشنفکر و به‌طور طبیعی زاده و گوشه‌گیر می‌شود و در واقع خود را بر وطن خویش غریب احساس می‌کند. این همین روستی است که گاهی به دیدگان می‌گردد؛ دست بردار از این در وطن خویش غریب.

زن تاریخی (شناخت زنان از تاریخ خود)

رابعه مظهر عشق صوفیانه

درباره «تاج الرجال»



فاززه توکی
کارشناس اندیشه‌های تاریخی
و پژوهشگر مطالعات فرهنگی

این جزوی در صفه المصغره می‌نویسد: عبده دختر شوال که در نهم روزگار و خادم رابعه بود، گفت: رابعه همسفری در خادم بود. هنگام طلوع فجر در نمازگاهش خواب نسکی بر من افتاد تا اینکه روشن شد. پس بر من خاست و من می‌شنیدم که در حال ترس می‌گفت: ای نفس! این خوابی که بر خاستن تا کی زودتک است که آن قدر خوابی که بر خاستن تا کی زودتک است! نشوی این کار روشن زندگی او بود تا آمد، در تپید حریف بود و لطفهای او غافل نمی‌ماند. مگر آنکه عاملی دیگر او را از این کار باز می‌داشت و به زندگی عادلان بازمی‌گرداند.

بلند شود، پاره‌کردن کتاب‌های موجود در خانه هنگام تمام‌نمای عکس‌های آنها، کمک‌کردن به والدین برای انجام امور روزمره و شخصی‌شان و - حال والدین و تصور چگونه پاسخ خواهند داد؟ در عالم واقعیت، کمتر با هرگز والدینی را مشاهده نخواهید کرد که در برابر این محرک‌هایی که از طرف کودکان به آنها وارد می‌شود، سکوت کرده و با آرامش واکنش نشان دهند. البته باید به یاد داشته باشید که اغلب رفتارهای ذکر شده و مشابه آنها اقتضای مرحله کودکی است و کودکی که حداقل یکی از

رابعه عدویه (۱۸۰ - ۱۸۵ ق) عارف و شاعر که به وی رابعه بصری نیز می‌گفتند دختر اسمعیل عدوی قیسی از آل عتیک بود. رابعه به سبب آنکه در حقایق عرفان کشف و شهودیه به مقام بلندی رسید و در کمالات انسانی و فضایل نفسانی بر اکثر بزرگان صوفیه برتری یافت، او را «تاج الرجال» نامیدند. در شان رابعه همین سبب که در ره‌ها تقوا و معرفت ضرب‌المثل گردیده چنان که هر گاه بخواهد، هر زنی را در عرفان بسزاستند گویند که رابعه‌زمان خویش است.